

مدیر کل راه‌آهن شمال شرق با اشار به این که بی‌احتیاطی موتورسوار وی توجهی به‌خطرات مأموران راه‌آهن در شاهرود حادثه‌ساز شد، گفت: دور اکب موتور در بر خورد با قطار مسافری جان باختند. فرشاد ز ادخو ربیان کرد: شامگاه سه شنبه یک راکب موتور برقی به همراه یک سر نشین در محدوده شهر کنوین در راه‌بند جاده و ریل قطار دچار حادثه شدو هر دو نفر در دم جان باختند.وی افزود: راکب موتور سیکلت وقتی به تقاطع قطار می‌رسد که میله‌های راه‌بند پایین بوده اما اصرار به عبور با وجود میله‌های مسدود کننده، موجب تصادف او با قطار می‌شود.

اخبار

-
-
-

دستگیری ۱۳ متهم باکوله‌باری از جرایم

توکلی – ۱۳ متهم تحت تعقیب با کوله‌باری از جرایم در جنوب کرمان دستگیر شدند.
جانشین انتظامی کهنوج گفت: با دستور مقامات قضایی در باره جلب و دستگیری متهمان تحت تعقیب مأموران پلیس آگاهی و کلانتری ۱۱ با انجام اقدامات اطلاعاتی ۱۳ متهم تحت تعقیب را شناسایی و آن‌ها را دستگیر کردند.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ احمدیوسفی، اتهام افراد دستگیر شده را حمل و نگهداری مواد مخدر، ایجاد مزاحمت،اخلال در نظم عمومی، ضرب و جرح، اتهامات مالی و پرداخت نکردن دیه ذکر کرد.وی تصریح کرد: دستگیری متهمان و اجرای این طرح باعث افزایش رضایتمندی مردم منطقه شد.

عامل شهادت ۲ مامور نیروی انتظامی اعدام شد

رئیس کل دادگستری استان اردبیل صبح دیروز از اجرای حکم قصاص عامل تحت تعقیب منطقه خروسلسوواقع در شهرستان بیله‌سوار خبر داد.
به گزارش تسنیم، ناصر عبتائی گفت: این فرد به تازگی با اسلحه گرم موجب شهادت دو تن از مأموران نیروی انتظامی، شهید حسین ولی نژادوشهید علی شجاع وهمچنین دوشهروند دیگر شده‌بود.

او افزود: این پرونده به صورت دقیق بررسی شدو در دادگاه کیفری یکودیوان عالی کشور حکم قطعی یعنی قصاص صادر و پس از طی تشریفات قانونی اجراشد.

رئیس کل دادگستری استان ادامه داد: درگیری این فرد با مأموران نیروی انتظامی هنگام قاچاق میراث فرهنگی وتلاش مأموران برای متوقف کردن خودرو بود و قاچاقچی با شلیک با اسلحه گرم موجب شهادت آن‌ها و فوت دو فرد دیگر شده بود که در کمترین زمان موردبررسی دقیق دستگاه قضایی قرار گرفت.عبتائی گفت: در تامين امنيت وآرامش عمومي دستگاه قضايي هيچ اهميت نداشتنه و با بدرفتاران و مجرمان در کمترین زمان برخورد می‌کند.

کفش‌های کودک ۵ ساله نقشه‌پلیدن هروئینی را برملا کرد

رئیس کلانتری تهرانسر از دستگیری زنی در حال بودن یک کودک پنج ساله در میدان میوه و تره بار خبر داد.
به گزارش ایسنا، سرهنگ بهزاد ثابتی راسخ در این باره گفت: حوالی ساعت ۲۱ سه شنبه شب گذشته خبری مبنی بر آدم‌ربایی در میدان میوه‌وتره بار به کلانتری اعلام شد. مأموران گشت به سرعت در محل حاضر شدند و مشخص شد خانمی ۴۴ ساله در حال خارج کردن پسر بچه‌ای پنج ساله بوده که توسط پدر کودک شناسایی شده است.وی افزود: حسب تحقیقات صورت گرفته والدین این کودک به قصد خرید به این مرکز مراجعه کرده بودند که در یک لحظه به علت سهل انگاری، حواس‌شان از کودک پر ت شده و این زن با پلیدن که بچه را تنها دیده، سعی داشته با خفای کردن وی در زیر چادر، او را از میدان خارج کند که در همین هنگام، پدر بچه‌ا ز روی کفش هایش او را زیر چادر رباینده شناسایی کرده و مانع از خارج کردن کودک از میدان شده است.وی اضافه کرد: متهم که به همراه همسر و فرزند ۱۳ ساله‌شان به شهر قدس زندگی می‌کنند هر دو متعاده به هروئین هستند. بر اساس شواهد به نظر می‌رسد این خانم اختلالات روانی دارد که البته در صورت اعزام وی به پزشکی قانونی، نظریه اعلام خواهد شد. وی در تحقیقات پلیسی بیان کرد، من فکر می‌کردم این کودک فرشته‌است و قصد داشتم او را با خود به خانه‌ام ببرم. راسخ در پایان از خانواده‌ها خواست زمانی که همراه کودک کان خردسال بیرون از منزل می‌روند، از تنها گذاشتن آن‌ها جدا خودداری کنند و با این کار زمینه انجام عمل مجرمانه را برای بزه‌کاران فراهم نکنند.

«مربی» زیر تخت دختر ۱۷ ساله به دام افتاد

اسیر وسوسه!



سجاد پور – یک مربی در مشهد که با وسوسه های شیطان‌ی دست و پنجه نرم می‌کرد پس از دیدارهای حضوری با دختر ۱۷ ساله، در حالی توسط پدر و مادر این دختر به دام افتاد که زیر تخت پنهان شده بود!

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این پرونده حیرت انگیز و تاسف بار از آن جاد دستور کار پلیس مشهد قرار گرفت که چند روز قبل مردی هراسان و عصبانی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و در حالی که صدایش از شدت عصبانیت به لرزه افتاده بود، گفت: این مربی به قصد اغفال دخترم وارد منزلمان شده بود که او را زیر تخت یافتیم! در پی اعلام این گزارش و با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع بلافاصله گروه بده ای از نیروهای اطلاعات و تجسس کلانتری میرزای کوچک خان مشهد با صدور دستوری از سوی سرهنگ محتشمی (سرپرست کلانتری) در کنار نیروهای گشت انتظامی وارد عمل شدندو به تحقیق در این باره پرداختند.
مربی ۴۶ ساله که توسط پدر و مادر دختر نوجوان از زیر تخت خواب بیرون کشیده شده بود، در حالی تحویل پلیس شد که ادعا می‌کرد پدر «ب» (دختر نوجوان) مرا تا لحظه تحویل به پلیس کتک زده و تهدید به مرگ کرده است و حتی مدعی بود که دخترش هم اگر به خانه باز گردد او را می‌کشد!
بنابر گزارش خراسان، این مربی ۴۶ ساله که «الف- ن» نام دارد با صدور دستور ویژه ای از سوی قاضی سید جواد حسینی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت چرا که این پرونده از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود.

این مربی که متأسفانه اسیر وسوسه های خارج از عرف شده بود، در حالی که بیان می‌کرد هیچ گونه سابقه اعتیاد یا بیماری روحی و روانی ندارد، در باره ماجرای ارتباط با دختر نوجوان گفت: «ب» اهل مطالعه بود و به همین دلیل او را برای عضویت در یکی از کتابخانه های مهم مشهد ضمانت کر دم تا بتواند به مطالعاتش ادامه بدهد. در این میان گاهی کتاب هایی را که متعلق به خود بود نیز به او امانت می‌دادم تا این که آرام آرام رابطه ای عاطفی و احساسی بین ما شکل گرفت به طوری که او دیگر به منزل ما رفت و آمد داشت و خودش را به همسر نزدیک کرد و روابط صمیمانه ای بین آن‌ها برقرار شد. من که از عاقبت این رابطه احساسی به شدت

بالگرد ناجاعمل شومر اننده تا کسی اینترنتی را نافر جام گذاشت

نجات دختران نوجوان از چنگ شیطان پر اید سوار



اصلی خارج شده و آن‌ها را به کمربندی دوم جاده ورامین قبل از پل فیروز آباد برده و در آن جا به بهانه خرابی خودرواش از ماشین پیاده شده و در عقب‌ر ا باز کرده است.

سرهنگ مسن آبادی ادامه داد: متهم ۴۵ ساله

پس از پیاده شدن از خودرو با قصد آزار و اذیت، گردن یکی از دو دختر را می‌گیرد و وقتی با مقاومت دیگری روبه‌رو می‌شود سراغ آن یکی دختر رفته و او را هدف نیت شومش قرار می‌دهد که در این کش و قوس ها گردنبند یکی از دو دختر نیز پاره می‌شود و کف خودرو می‌افتد. وی افزود: حین این اتفاقات در حالی که متهم برای رسیدن به نیتش همچنان اصرار داشته است، ناگهان با بالگرد ناجا از آسمان منطقه با ارتفاع بسیار پایین عبور کرده که متهم با مشاهده

مر عشی:میترا استاد همه تماس‌های نجفی را کنترل می‌کرد

سخنگوی حزب کارگزاران می‌گوید: امکان برقرار کردن ارتباط با آقای نجفی تقریباً وجود نداشت. تمام ارتباطات دکتر به دلایلی که این جافضایی برای اشاره به آن‌ها نیست، توسط خانم استاد کنترل می‌شد.



حسین مرعشی در گفت‌وگویی درواکتش به این موضوع که آقای کر باسچی در آخرین اظهارات خود تاکید کرده بودند که بیشتر اعضای حزب و حتی شمار جریان مسائل خانوادگی ایشان بوده‌اید، اظهار کرد: بله، صحبت‌هایی از حضور زنی در زندگی ایشان بود. خبر اولیه توسط یکی از نهادهای امنیتی مطرح شده بود، ما جلسه



قطار موتورسواران را به کام مرگ برد

حوادث



منزلشان ر فتم و پنهان شدم که متأسفانه پدر و مادرش مرا پیدا کردند و در حالی که از زیر تخت خواب بیرون کشیده بودند، کتکم زدند و تهدید به مرگ کردند! بعد از آن هم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و مرا به همراه دخترشان تحویل نیروهای انتظامی دادند!

این مرد ۴۶ ساله که بنا به ادعای دختر نوجوان مربی او بوده است، در ادامه اظهاراتش افزود: آن دختر بیش از اندازه به من وابسته بود تا حدی که من از مادر او خواستم بگذارند این دلبستگی و وابستگی کم کم از بین برود! ولی مادر او می‌گفت: به تو هیچ ربطی ندارد! خلاصه من و «ب» از طریق تلفن در ارتباط بودیم و او احوال مرا می‌پرسید اما با وجود آن که می‌دانست همسر و فرزند دارم همواره می‌گفت: «تو را دوست دارم و می‌خواهم همسرت باشم»!

من هم می‌ترسیدم که اگر به طور ناگهانی ارتباطم را قطع کنم، اتفاق بدی بیفتد و عذاب وجدان بگیرم به همین دلیل سعی می‌کردم کم کم او را از خودم طرد کنم! اما این وابستگی و دلبستگی هر لحظه بیشتر می‌شد و من هم احساس دین بیشتری می‌کردم! وی در پایان ادامه داد: با همسرم رابطه معمولی داشتم ولی از روزی که متوجه ارتباط من و «ب» شد اوضاع کمی به هم ریخت! گزارش خراسان، حاکی است: پس از بررسی‌ها و انجام تحقیقات گسترده، این مربی ۴۶ ساله با صدور دستوری از سوی قاضی علی اکبر صفائیان (رئیس شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری ۲ خراسان رضوی) روانه زندان شد و پرونده در مراحل دادرسی قرار گرفت.

رئیس کلانتری امین آباد ادامه داد: موضوع تحت بررسی‌های دقیق و پلیسی قرار گرفت و نیروهای عملیات کلانتری با داشتن پلاک خودرو و همراه راننده تاکسی اینترنتی، دو محل احتمالی حضور متهم در دولت آباد و شهرری را مورد بررسی قرار دادند که در نهایت موفق شدند متهم را هنگام فرار در فیروزآباد شهر ری شناسایی و دستگیر کنند.
رئیس کلانتری ۱۷۳ امین آباد با اشاره به این که متهم صاحب زن و دو فرزند است، گفت که این راننده تاکسی اینترنتی بیان کرده در آن لحظات دچار وسوسه‌های شیطانی شده و در دام هوس افتاده بوده است. به گفته وی، گردنبند یکی از دختران که پاره شده بود داخل خودرو کشف شد و متهم با تشکیل پرونده‌ای به مقام قضایی معرفی شد.

«کشتی‌های آتش خوار» شعله‌های سکوی ۹ پارس جنوبی را بلعید

۹۲ کیلومتری عسلویه و در حوالی مرز با قطر در آب‌های خلیج فارس قرار دارد. اگر چه یک منبع آگاه اعلام کرده بود که گرمای زیاد باعث انفجار یکی از ژنراتورهای این سکو و بروز آتش سوزی شده است، یک مقام مسئول دیگر در وزارت نفت



خبر منتشر شده در برخی رسانه‌ها در خصوص انفجار در یکی از سکوها را هم تکذیب کرد. در همین حال بنا بر گزارش‌ها، آتش سوزی مهار و اکنون وضعیت سفید اعلام شده است و بنا به گفته مسئولان ژنراتور حادثه دیده یکی از ژنراتورهای فرعی بوده که اختلالی در روند کار این سکو ایجاد نکرده است و تولید گاز ادامه دارد.

۱۳

در امتداد تاریکی

-
-
-

آخرین فرصت!

از درون تلاشی بودم اما همواره سعی می کردم برای دیگران نقش بازی کنم تا آن‌ها باور کنند که من چقدر خوشبخت‌و در از دواج با «سامیار» دچار اشتباهی نشده‌ام اما در واقع می دانستم که با یک مرده متحرک زندگی می‌کنم که همواره شق و احساس و عقلش به ماده سفید رنگی به نام شیشه‌گره خورده است و...

زن ۳۱ ساله که پس از برگزاری جلسه مشاوره تصمیم گرفته بود از خاموش شدن شمع زندگی مشترکش جلوگیری کند و سوسوی ضعیف آن را شعله‌ور سازد، دربارۀ سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری شفا ی مشهد گفت: از همان دوران کودکی هیچ گاه عاطفه و محبت را احساس نکردم چرا که پدر و مادرم با یکدیگر اختلاف داشتند و من از این موضوع رنج می‌بردم تا جایی که همواره این جمله مادرم که «فقط به خاطر بچه‌ها تو را تحمل می‌کنم»، در گوشم می‌پیچید و با خودم می‌انداخیدم اگر من نبودم مادرم این همه رنج و عذاب را تحمل نمی‌کرد. در واقع پدر و مادرم از نظر عاطفی طلاق گرفته بودند و تنها زیر یک سقف زندگی می‌کردند. پدرم وقتی دیر هنگام به منزل باز می‌گشت روبه‌روی تلوزیون می‌نشست و مادرم نیز مشغول امور خانه‌داری بود. آن‌ها چند جمله بیشتر با یکدیگر سخن نمی‌گفتند و در همان چند جمله نیز کنایه‌های تلخی رد و بدل می‌شد به حدی که مادرم مجبور می‌شد قرص‌های اعصاب و روان مصرف کند، من هم که به سن نوجوانی رسیده بودم بیشتر اوقاتم را با دوستانم می‌گذراندم تا کمتر درگیر اختلافات پدر و مادرم باشم از سوی دیگر نیز همه‌ما می‌دانستیم که پدرم به مادر خیانت می‌کند ولی به‌روی خودمان نمی‌آوردیم این در حالی بود که مادرم بیشتر از همه اعضای خانواده رنج می‌کشید. بالاخره در همین شرایط وارد دانشگاه شدم تا به تحصیلاتم ادامه بدهم. سال دوم تحصیلم را سپری می‌کردم که متوجه نگاه‌های عاشقانه «سامیار» شدم. انگار او آمده بود تا همه محبت‌هایی را جبران کند که پدر و مادرم از من دریغ کرده بودند. زمانی به خودم آمدم که یک

سال از ارتباط من با سامیار در دانشگاه می‌گذشت با وجود این‌ا زمان‌به‌خواستگاری‌ام آمد که بیکار بود و خانواده‌هایمان نیز با ازدواج مان به شدت مخالف بودند اما با همه این مخالفت‌ها من و سامیار ازدواج کردیم و او برای گذراندن دوران سر بازی ترک تحصیل کرد. در همین زمان بود که با ترغیب یکی از هم‌خدمتی‌هایش به مصرف قرص‌های مخدر دار روی آورد ولی مدعی بود که این قرص‌ها را به صورت تفریحی مصرف می‌کند؛ خلاصه بعد از پایان سر بازی زندگی مشترکمان را در حالی آغاز کردیم که سامیار با شنیدن ماجرای پدرش از آمدن آسمان‌ها پرواز می‌کرد و به همه خواسته‌هایم توجه ویژه‌ای داشت به طوری که جز من و فرزندم چیز دیگری در زندگی او نبود. اما این روزهای روایی مدت زیادی دوام نداشت چرا که ارتباط با دوست هم خدمتی‌اش او را به سوی مصرف مواد مخدر سوق داد و خوشبختی‌را از من گرفت. سامیار آرام آرام مصرف مواد مخدر صنعتی را آغاز کرد و در حالی خانه نشین شد که من فرزند دوم را باردار بودم. روز گارم به جایی رسید که ساعت‌ها گرسنه می‌ماندم چیزی در منزل نداشتیم. سامیار دار و ندارمان را دود کرد به حدی که هنگام به دنیا آمدن فرزندم مرا در بیمارستان به حال خودم‌رها کرد چرا که توان پرداخت هزینه‌ها را نداشت با وجود این سعی می‌کردم برای دیگران نقش بازی کنم تا خوشبختی‌ام را به رخ‌آها بکشم. چند بار برای ترک اعتیاد همسرم تلاش کردم اما فایده‌ای نداشت بالاخره خسته از این زندگی چمدانم را بستم تا برای همیشه او را ترک کنم ولی سامیار با التماس از من خواست فرصت دیگری در اختیارش بگذارم که گذشته را جبران کند. من هم تصمیم گرفتم برای آخرین بار در کنارش بمانم و...

شایان ذکر است که دستور سرهنگ نوروزی (رئیس کلانتری شفا) مرد جوان به مرکز ترک اعتیاد معرفی شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی